



مقدمه

رهنمود هذا مصارف قابل مجرائی وغير قابل مجرائی تشبث های مقيم افغانستان را تشریح مينمايد. جهت دریافت معلومات پيرامون موضوعات مالياتی اشخاص غير مقيم، به رهنمود شماره ۲۳ تحت عنوان «موضوعات مالياتی اشخاص غير مقيم» مراجعه نماييد.

يادداشت

فورمه ها و رهنمودها در وزارت ماليه، رياست عمومي عوايد و مستوفيت ها بطور رايجان موجود بوده و همچنان هيچگونه حق الزحمه يا فيس در تمام مراحل ارزيايي و تحصيل ماليات اخذ نمی گردد. زمانیکه ماليه دهنده موفق به ارائه اظهارنامه مالياتی خویش نمی گردد، طبق قانون ماليات بر عايدات سال ۱۳۸۷ کشور بالای وی جریمه وضع میگردد. ارائه اظهارنامه مالياتی حتی زمانیکه مکلفیت مالياتی هم وجود نداشته باشد، قابل تطبیق میباشد. ماليه دهنده بمنظور جلوگیری از پرداخت جریمه باید اظهارنامه مالياتی خویش را حتی اگر مکلفیت مالياتی هم نداشته باشد، ارائه بدارد و در آن ذکر نماید که در این مرحله ماليه قابل تادیه نمی باشد.

مجرائی میباشد. ماده ۱۸ قانون ماليات بر عايدات سال ۱۳۸۷ لست مصارف عادی و ضروری قابل مجرائی از عوايد جهت تعيين عوايد قابل ماليه تشبث را دربر دارد. مصارف غير عادی و ضروری قابل مجرائی نمی باشد.

مصارف نیز وجود دارد که از لحاظ ماليات قابل مجرائی نمیباشد، بنا بر این مفاد يا عوايد خالص تشبث ممکن طبق دفاتر مالک از عوايد قابل ماليه مطابق به قانون ماليات بر عايدات، تفاوت داشته باشد.

مصارف قابل مجرائی قرار ذیل است:

۱. قيمت تمام شد ايشای توليدی يا مصارف فروش و تجارت شامل مصرف بيمه حمل و نقل و امثال آن.
۲. قيمت سامان و لوازم، روغنیات، برق، آب و ساير مصارف عادی و ضروری که جهت بدست آوردن عايدات يا در کار و تجارت مورد استفاده قرار میگيرد.
۳. معاش، مزد، کمیشن و فيس که در برابر خدمات کارکنان و مستخدمین تادیه میشود.
۴. تکت پولی ناشی از قروض کار و تجارت.
۵. مفاد سهم تادیه شده به پول توسط شخصیت حکمی ایکه مطابق قوانين نافذه کشور تاسیس گردیده باشد.
۶. کرایه تادیه شده از درک اموال و ملکیتی که در کار يا تجارت ضروری بوده و مورد استفاده قرار میگيرد.

يادداشت

برای مفاد سهم، تکتان، حق الامتياز، کرایه، کمیشن، مزد، معاشات، تادیات قراردادی ها و مصارف مشابه آن که ماليه دهنده مکلف بر وضع ماليه از آن میباشد، ولی موفق به انجام آن نشده است، مجرائی وجود ندارد.

۷. مصارف ترمیم و حفظ و مراقبت اموال و ملکیتی که در کار يا تجارت ضروری بوده و مورد استفاده قرار میگيرد.
۸. استهلاك اموال منقول و غير منقول (به استثنای زمین) که در کار يا تجارت مورد استفاده قرار گرفته و يا بمنظور توليد عايدات در اختيار مؤلد میباشد، مطابق تعليماتنامه ماليات بر عايدات قابل مجرائی میباشد. ارزش يا قيمت تمام شد دارایی طی یک مرتبه قابل مجرائی نبوده، بلکه بصورت تدريجی در جریان عمر دارایی استهلاك میگردد. (برای معلومات مزيد پيرامون استهلاك دارایی به رهنمای شماره ۲۰ مراجعه نماييد). مجموع کسرات استهلاك دارایی در خلال مدت مندرج تعليماتنامه نباید بیشتر از مصرف تمام شد آن به ماليه ده گردد.
۹. ماليه و محصولی که بذات خود مصرف لازمی جهت کار و تجارت، حفظ ملکیت عوايدی، و يا برای توليد عايدات

باشد، مشروط بر اینکه ماليه آن در ظرف سال مالی تادیه شده و يا تراکم نموده باشد. مالياتیکه طبق احکام قانون ماليات بر عايدات وضع گردیده و مالياتیکه از جمله مصارف لازمی کار و تجارت بحساب نرود، قابل مجرائی نیست، مگر اینکه در قانون ماليات بر عايدات طور دیگری پيشبینی شده باشد.

۱۰. خسارات وارده ناشی از حریق، زلزله، يا ساير حوادث غير مترقبه به اموال منقول و غير منقول در خلال سه سال، مشروط بر اینکه قيمت آن تشبث بوده و سند مثبته را در این مورد ارائه و از طرف موسسات بیمه جبران نگردیده باشد.
۱۱. خساره ناشی از قروض غير قابل حصول در کار يا تجارت طبق تعليماتنامه ماليات بر عايدات.
۱۲. ساير مصارف کار يا تجارت و مصارف در اختيار داشتن اموال منقول يا غير منقول بمنظور توليد عايدات و مصارف توليد عايدات مندرج قوانين مربوطه.

معاش و مزد اقلام چون پرداخت منظم، بخششی ها، اضافه کاری، افزایش معاشات در گذشته و ساير تادیات که توسط آمر به کارمند چه بصورت نقدی يا غير نقدی صورت میگيرد، احتوا مينمايد. ماليات که از معاش کارمندان وضع گردیده و بحساب دولت انتقال می نمايد، بخش از معاش يا مزد کارمند شمرده می شود.

مثال: یک شخص در بدل ۲۰۰۰۰ افغانی معاش در یک شرکت ایفای وظیفه مينمايد. در ماه قوس شخص مذکور ارتقاء نموده و معاش اش به ۲۴۰۰۰ افغانی افزایش یافته که از اول میزان قابل تطبیق مينمايد. در ختم سال شرکت ۵ فیصد بخششی برای هر کارمند ميبيرد. شرکت مکلف است تا تمام اقلام متذکره را شامل معاش ساخته و گزارش دهد. همچنان شرکت متذکره ميتواند تمام مصارف معاش را وضع نمايد. کارمند مورد نظر مکلف است تا این اقلام را بشکل ذیل در اظهارنامه مالياتی خویش نشان دهد.

الف	معاش (شش ماه نخست) (۶x۲۰۰۰۰ افغانی)	۱۲۰۰۰۰
ب	معاش (شش ماه دوم) (۶x۲۴۰۰۰ افغانی)	۱۴۴۰۰۰
ج	معاش ۱۲ ماهه	۲۶۴۰۰۰
د	۵ فیصد معاش سالانه (۵ فیصد ۲۶۴۰۰۰ افغانی)	۱۳۲۰۰
هـ	مجموع معاش و بخششی	۲۷۷۲۰۰

تکتان قروض تشبث قابل مجرائی بوده، ولی تکتان قروض شخصی قابل مجرائی نمیباشد. قروض شخصی عبارت از قروض

میباشد که در خرید اموال و خدمات يا دارایی برای مصرف يا استفاده شخصی بمصرف رسیده باشد. قروض تشبث عبارت از قروض میباشد که بمنظور خرید زمین، تعمیر، وسايل، اجناس و غیره برای اجاره، فروش، توليد اجناس يا خدمات و ساير مقاصد تشبث بمصرف رسیده باشد.

مثال: عزیز یک مقدار پول را بمنظور خریداری یک پایه کمپیوتر برای استفاده شخصی خویش از برادر خود قرض مينمايد. عبدالله برادر عزیز ۲ فیصد تکتان از برادر خود همه ساله اخذ مينمايد. عزیز نمیتواند ۲ فیصد تکتان را از عوايد خویش بحیث مصارف وضع نمايد.

تا زمانیکه ماليه دهنده مصارف استهلاك را بصورت واضح تعیین ننموده باشد مصارف مذکور قابل مجرائی نمیباشد. هر قيمت که بمنظور اخذ مصارف استهلاك تعین گردد، بمنظور تعیین مفاد فروش همچو ملکیت، وابسته به ماليه دهنده میباشد. اگر مالک یک تعمیر قادر به تعیین اساس مصارف و استهلاك نباشد، در اینصورت وزارت ماليه هیچ مصرف قابل مجرائی را در این زمینه مجاز نمی داند. اگر ماليه دهنده اسناد کافی را پيرامون اساس مصارف و استهلاك فراهم نمايد، در اینصورت استهلاك یک مصرف قابل مجرائی پذیرفته میشود. برای معلومات مزيد در رابطه به مجرائی استهلاك به رهنمای شماره ۲۰ (استهلاك دارایی) مراجعه نماييد.

ماليات که مصارف ضروری تشبث بوده معمولاً قابل مجرائی مينباشند: بطور مثال، ماليه معاملات انتفاعی، محصولات گمرکی تشبث و تکس شاروالی که از دارایی کرائی پرداخته میشود، قابل مجرائی میباشد. ماليات بر عايدات مصارف قابل مجرائی نمی باشند.

یک آمر ميتواند عوايد غير نقدی را که به کارمند خویش می پردازد، بعنوان مصرف وضع نمايد، البته مشروط بر اینکه فراهم نمودن عوايد غير نقدی به کارمند بصورت مستقیم در چارچوب وظیفه صورت گرفته باشد.

مثال: یک شرکت ساختمانی مشغول احداث بند آب در یک فاصله از شهر است. شرکت مذکور مکلف است تا امکانات ترانسپورتی را بصورت همه روزه برای انتقال کارگران از شهر الی ساحه کار مساعد سازد. این مصرف یک مصرف قانونی تشبث بوده و شرکت ميتواند چنین مصارف را از عوايد وضع نمايد.

تبصره: اگر يک تعداد کارمندان از موترهای شخصی خویش جهت رفت و آمد به ساحه پروژه استفاده نمايند، در اینصورت آنها نمیتوانند مصارف سفر را از عوايد خویش وضع نموده و در اظهارنامه مالياتی، نشان دهند.

فرمه های مالیاتی و معلومات



فرمه های مالیاتی، رهنمودها، سایر معلومات و کمک در ریاست عمومی عواید وزارت مالیه، مستوفیت های محل یا در صفحه انترنتی وزارت مالیه یعنی www.mof.gov.af/tax قابل دریافت بوده و از طریق صفحه انترنتی میتوانید نقل قانون مالیات بر عایدات سال ۱۳۸۸ را بدست آرید.

یادداشت

صفحه معلومات مالیات www.mof.gov.af/tax روند دریافت معلومات مفید و مورد نیاز را به مالیه دهنده ساده تر ساخته است. این صفحه حاوی قانون مالیات بر عایدات سال ۱۳۸۷، اطلاعیه ها و طرز العمل های مختلف عامه، فرمه ها، رهنمود ها، اسناد های آرشیف شده، سوالات و پاسخها پیرامون مالیه موضوعی معاشات و غیره میباشد. همچنان صفحه متذکره در برگیرنده تعلیماتنامه قانون مالیات بر عایدات بوده که در آن هر یک از مواد قانون بصورت جداگانه با استفاده از مثال های مفید تشریح گردیده است.

مثال اول: یک شخص انفرادی مالک یک فابریکه میباشد. از جمله عواید حاصله فابریکه مذکور واسطه نقلیه برای استفاده فامیلی شخص مذکور خریداری میشود. همچو مصارف هنگام تعین عواید قابل مالیه شخص مذکور قابل مجرائی نمیشد.

مثال دوم: یک شخص انفرادی مالک یک دفتر خرید و فروش وسایط نقلیه میباشد و ۱۰ عراده موتر را به منظور فروش دوباره آن به قیمت ۱۶۰۰۰۰ افغانی فی عراده خریداری مینماید. شخص مذکور دو عراده موتر را به منظور استفاده فامیلی اش نگهداشته و هشت عراده دیگر را به قیمت اوسط ۲۰۰۰۰۰ افغانی فی عراده بفروش میرساند. هرگاه مجرائی تمام اجناس خریداری شده مجاز باشد مفاد اصلی کتمان میگردد:

الف. عواید بابت فروشات (۸×۲۰۰۰۰۰ افغانی)	۱۶۰۰۰۰۰
ب. قیمت تمام شد اجناس (۱۰×۱۶۰۰۰۰ افغانی)	۱۶۰۰۰۰۰
ج. مفاد ناخالص	صفر

در حالیکه اظهارنامه درست قرار ذیل میباشد:

الف. فروشات (۸×۲۰۰۰۰۰ افغانی)	۱۶۰۰۰۰۰
ب. قیمت تمام شد اجناس منفی قیمت دو موتر برای استفاده شخصی (۸×۱۶۰۰۰۰ افغانی)=	۱۲۸۰۰۰۰
ج. مفاد ناخالص	۳۲۰۰۰۰

وضع مصارف شخصی بشمول اقلام ذیل غیر مجاز بوده قابل مجرائی نمیشد.

۱. تادیاتیکه به اشخاص غرض منفعت و خوشی فامیلیش شان صورت میگردد.
۲. مصارف حفظ و مراقبت، ترمیم، تعمیر، اصلاح مفروضات و سایر مصارف حویلی و یا محل رهائش مالیه دهنده یا فامیلیش و یا هر مال و ملکیتی که مختص با استفاده مالیه دهنده و یا فامیلیش باشد.
۳. تکت پولی بر مقروضیت شخصی.
۴. مصارف رفت و آمد به محل کار و مصارف سفر برای مقاصد شخصی.
۵. مصرف بیمه حیات، تصادم و صحت و بیمه علیه ادعای دیگران بمنظور مصونیت مالیه دهنده و فامیلیش، و
۶. مصارف هر نوع بیمه غرض محافظت اموال و ملکیت که به مقاصد شخصی مورد استفاده قرار میگردد.

جمهوری اسلامی افغانستان
ریاست عمومی عواید
وزارت مالیه



۱۳۸۹

شرکت اعلانات احمد دلایل معقول دارد که این قرضه قابل حصول نمیشد. شرکت متذکره میتواند این مبلغ را بعنوان قرضه لاصول محاسبه نموده و ادعای مجرائی مالیاتی این رقم را از عواید شرکت خویش، نماید.

تیمبره: هرگاه یک مبلغ بعنوان قرضه لاصول از حساب حذف گردد، مگر بعداً بخش یا تمام آن بدست آید، در ایصورت مبلغ حاصله عاید تثبیت شمرده میشود.

یادداشت

اگر مصارف را از طریق خدمات یا دارایی (منقول یا غیر منقول) متقبل شده اید، شما باید مصارف قابل مجرائی را به اساس ارزش مناسب دارایی یا خدمات در بازار البته در تاریخ که آنرا متقبل شده اید، یا به اساس محاسبه نقدی - تاریخ که آنرا انتقال داده اید، وضع نمایند.

مثال: وحید یک داکتر طب است. وی یک نجار به اسم عزیز را جهت ساختن یک الماری کتاب در معاینه خانه اش استخدام می نماید. داکتر مذکور موافقه نموده است تا بعضی پول نقد دو پسر عزیز را معاینه صحی نماید. معمولاً مصارف معاینات صحی ۵۰۰۰ افغانی می گردد. آقای وحید باید ۱۰۰۰۰ افغانی (۱۰۰۰ = ۲×۵۰۰۰) را بعنوان عواید در اظهارنامه مالیاتی خویش نشان دهد.

چه نوع مصارف غیر قابل مجرائی میباشد؟

مثالهای مصارف غیر قابل مجرائی:

- الف. تحایف
- ب. مصارف غیر قانونی
- ج. مساعدت ها
- د. مالیات بر عایدات
- ه. افزودی به ذخایر بمنظور حالات خاص، قرضه های لاصول و سایر موارد مشابه، به استثنای خسارات وارده بابت قرضه های نهاد های مالی.
- و. افزودی به ذخایر بابت خسارات وارده قرضه های نهاد های مالی که بیشتر از حد پیش بینی شده در قانون مالیات بر عایدات.
- ز. قیمت تمام شد اجناس خریداری شده که توسط مالکین یا کارمندان به مقاصد شخصی یا فامیلی شان بکار برده و به فروش نرسیده باشد.
- ح. قیمت تمام شد اجناس که خریداری شده اما دوباره به فروشنده یا مؤلد مسترد شده باشد.
- ط. قیمت تمام شد عرضه منفعت برای مالکین، کارمندان، و سطح رهبری که جهت پیشبرد فعالیت ضروری نیست.

ضرر سرمایه (بمنظور تولید، تحصیل و حفظ عواید) ناشی از حریق، طوفان، تلفات انسانی و سایر حوادث غیر مترقبه، البته صرف مقدار که تحت پوشش بیمه قرار نگرفته است، قابل مجرائی میباشد. بمنظور ادعای همچو مجرائی، مالک مکلف است تا اسناد ارزش یا قیمت دارایی از دست رفته را حفظ نموده باشد. یک بر سوم حصه ضرر در سال که ضرر متوجه تثبیت گردیده است قابل جبران بوده و دو بر سه حصه آن در دو سال بعدی قابل جبران میباشد.

حق بیمه دارایی که برای تولید، تحصیل و حفظ عواید بمصرف میرسد یک مصرف قانونی تثبیت بوده و بصورت کل قابل مجرائی میباشد. جبران خساره از طریق شرکت بیمه تابع مالیه نبوده، مگر اینکه مبلغ جبران خساره از بهای استهلاک دارایی از دست رفته اضافه تر باشد. در اینصورت مالک دارایی مکلف است تا مبلغ اضافی را تحت عنوان عواید گزارش دهد.

مصارف قروض لاصول مالیه دهنده در یک سال مالی در صورت قابل مجرائی میباشد که جوابگو به شرایط آبی باشد:

- الف) مبلغ قرضه قبلاً شامل عواید قابل مالیه مالیه دهنده گردیده باشد.
- ب) مبلغ قرضه از حسابات مالی مالیه دهنده طی سال مالی، حذف گردیده باشد، و
- ج) مالیه دهنده دلایل معقول پیرامون اینکه قرضه ها حصول شده نمی توانند، داشته باشد.

این شرایط بالای بانکهای که مطابق به ماده ۵۶ قانون مالیات بر عایدات سال ۱۳۸۷ مستحق مجرائی بابت افزودی به ذخیره در مقابل ضررها باشد، تطبیق نمی گردد.

مثال: شرکت اعلانات احمد خدمات اعلانات را برای روزنامه ها و رادیوها عرضه مینماید. شرکت اعلانات احمد با رستوران شیراز موافقه نموده است تا اعلانات تجارتي رستوران متذکره را در روزنامه بصورت ماهوار و در رادیو بدست نشر سپرده و صورت حساب خدمات را که مبلغ ۵۰۰۰ افغانی میشود، به رستوران شیراز بفرستد. یک ماه رستوران شیراز بل خدمات شرکت اعلانات احمد را نمی پردازد. شرکت اعلانات احمد موافقتنامه خدماتی با رستوران شیراز را فسخ میکند. شرکت اعلانات احمد در حالیکه بمنظور محاسبه عواید خویش مکلف به استفاده از طریقه محاسبه بعدی بوده و خدمات اعلانات را قبلاً عرضه نموده است، عواید مبلغ ۵۰۰۰ افغانی را قبلاً شامل عواید شرکت خویش نموده است. شرکت اعلانات احمد تلاش میوزد تا این پول را تحصیل نماید. شرکت مذکور به رستوران شیراز تیلیفون می نماید و نامه میفرستد ولی پول بدست نمی آید. بتدریج رستوران شیراز فعالیت خود را متوقف میسازد.